

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال هشتم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۴۰۰

کنکاشی پیرامون گزارش‌های مربوط به «نفرین قریش از سوی رسول خدا ﷺ در جنگ احد»

(براساس نگاشته‌های علامه جعفر مرتضی عاملی (ره) در کتاب الصحیح من السیره النبوی الاعظم ﷺ)

اصغر میرزاپور *

چکیده

در تحقیق حاضر بر اساس متن کتاب شریف الصحیح من السیره النبوی الاعظم ﷺ به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا رسول خدا ﷺ در جنگ احد قوم خود را نفرین کرده است یا خیر؟ علامه جعفر مرتضی (ره) ذیل یکی از مباحث خود در جلد ششم از کتاب الصحیح با عنوان «هل یدعوا النبوی علی قومه» به بررسی روایت مربوط به نفرین پیامبر اکرم ﷺ در حق قریش اشاره کرده و به بررسی روایات در این زمینه پرداخته و در نهایت گزارشات در این خصوص را به دلیل تعارضاتی که در آن دیده شده است، نمی‌پذیرد.

واژه‌های کلیدی: رسول خدا ﷺ، جنگ احد، نفرین، قریش، علامه جعفر مرتضی.

* درس خارج حوزه علمیه قم و سطح ۴ رشته تاریخ و سیره پیامبر اعظم ﷺ.

درآمد

سیره نبوی در شمار دوران‌های حساس و مهم صدر اسلام است که حوادث و رویدادهای بسیاری را در خود جای داده است. اهمیت این دوران مهم در صدر اسلام موجب شده است تا نویسندگان بسیاری از صدر اسلام تاکنون نسبت به تدوین و پژوهش نسبت به این عصر کوشا باشند و آثار بسیاری را به نگارش درآورده و از خود به یادگار بگذارند. از جمله این آثار و تألیفات، اثر برجسته و ارزشمند استاد علامه سید جعفر مرتضی عاملی (ره) است که اثر خود را با عنوان «الصحيح من السيره النبويه» به رشته تحریر درآورده است. این اثر گرانبیایه دربردارنده موضوعات مهم و متنوعی در موضوع سیره نبوی است. از جمله این موضوعات، جنگ احد است که حوادث بسیاری در درون خود جای داده است. از جمله آنها، گزارش‌های برجای مانده در متون تاریخ و سیره درباره نفرین رسول خدا ﷺ به قوم خود در این جنگ است و علامه جعفر مرتضی (ره) در کتاب خود به بررسی و تحلیل آنها پرداخته است.

در تحقیق حاضر بر اساس متن کتاب شریف الصحيح من السيره النبويه الاعظم ﷺ به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا رسول خدا ﷺ در جنگ احد قوم خود را نفرین کرده است یا خیر؟ علامه جعفر مرتضی رحمته الله ذیل یکی از مباحث خود در جلد ششم از کتاب الصحيح با عنوان «هل يدعوا النبي علي قومه»^۱ به بررسی روایت مربوط به نفرین پیامبر اکرم ﷺ در حق قریش اشاره کرده و به بررسی روایات در این زمینه پرداخته است.

گزارش‌های نفرین رسول خدا ﷺ

مستند بحث درباره نفرین رسول خدا ﷺ درباره قریش در جریان جنگ احد، روایتی است که در برخی مصادر حدیثی آمده و صاحبان کتاب‌های مزبور

۱. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحيح من السيره النبويه الاعظم ﷺ؛ ج ۶، ص ۱۶۶.

این روایت را مستند خود برای مدعای مذکور دانسته‌اند. اصل روایت که منابع آن را به نقل از انس بن مالک آورده‌اند چنین است:

«حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا سهل عن حميد عن أنس ان النبي ﷺ شج يوم أحد و كسروا رباعيته فجعل يمسح الدم عن وجهه و هو يقول: كيف يفلح قوم خضبوا وجه نبيهم بالدم و هو يدعوهم إلى ربهم عز وجل فأنزلت «ليس لك من الامر شيء أو يتوب عليهم أو يعذبهم فإنهم ظالمون»^۱؛ انس بن مالک گوید: سر مبارک رسول خدا ﷺ و نیز دندان‌های رباعی آن حضرت در نبرد احد شکست و صورتش خون آلود شد. آن حضرت در حالی که خون از صورت مبارک خود پاک می‌کرد، فرمود: چگونه رستگار خواهند شد قومی که چهره پیامبر خود را خون آلود کردند، در حالی که او آنان را به سوی خداوند متعالی فرا می‌خواند. در این حال این آیه نازل شد: هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست؛ یا [خدا] بر آنان می‌بخشاید، یا عذابشان می‌کند، زیرا آنان ستمکارند».

علامه جعفر مرتضی (ره) در ادامه^۲، به روایتی اشاره دارد که بر اساس آن رسول خدا ﷺ برخی اقوام خود همچون: ابوسفیان، صفوان بن امیه، سهیل بن عمرو و حرث بن هشام و بنابر برخی نقل‌های دیگر، عمرو بن عاص^۴ را لعن فرمودند. در این حال آیه مذکور (۱۲۸ آل عمران) درباره آنان نازل گردید و با این وصف، رسول خدا ﷺ از درگاه خداوند برای آنان طلب مغفرت کردند:

۱. آل عمران / ۱۲۸.

۲. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ مسند احمد بن حنبل؛ ج ۳، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۳. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحيح من السیره النبوی الاعظم ﷺ؛ ج ۶، ص ۱۶۷.

۴. او همان کسی است که قریش او را نزد نجاشی فرستادند تا مسلمانان مهاجر [به حبشه] را تحویل آنان دهد و نجاشی، این کار را نکرد. وی در سال خیبر و بنا به قولی هم در صفر سال هشتم هجری، یک سال و چند ماه قبل از فتح مکه، مسلمان شد. او از کارگزاران پیامبر خدا ﷺ در عمان بود و تا زمانی که پیامبر ﷺ درگذشت، همچنان در این مقام بر جای ماند. وی از سوی ابوبکر به حکومت شام تعیین شد و از طرف عمر بن خطاب به حکومت فلسطین منصوب شد. عثمان نیز چهار سال او را بر فلسطین گماشت و سپس برکنارش کرد. عثمان که کشته شد، عمرو به معاویه پیوست و از او پشتیبانی نمود. ر.ک: رجال الطوسی: ص ۴۳، ش ۳۱۵. أسد الغابة: ج ۴، ص ۱۴۴ - ۱۴۷.



«عن حنظلة بن أبي سفيان قال سمعت سالم بن عبد الله يقول كان رسول الله يدعو على صفوان بن أمية و سهيل بن عمرو و الحرث ابن هشام فنزلت «ليس لك من الامر شيء إلى قوله فإنهم ظالمون»^۱».

علامه جعفر مرتضی (ره) به برخی دیگر از روایات در این باره اشاره کرده و می‌افزاید^۲، برخی روایت دیگری را نقل کرده‌اند که بر اساس آن نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله قصد داشت تا آنان را نفرین کند. در این حال خداوند متعال با نزول آیه ۱۲۸ سوره آل عمران آن حضرت را از این کار بازداشت، چرا که علم داشت در میان این افراد مؤمنین نیز حضور دارند! از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله از نفرین آنان صرف نظر کرد:

«و قيل: هم أن يدعو عليهم فنهاه الله تعالى لعلمه بأن فيهم من يؤمن»^۳.

منابع بازتاب دهنده گزارش

این روایت در منابع حدیثی شیعه به جز بحارالانوار تألیف علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) جلد سیزدهم صفحه ۳۷ بیان نشده است، اما در مصادر حدیثی اهل سنت در منابعی چون مسند احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری)^۴، سنن ابن ماجه (محمد بن یزید قزوینی متوفای ۲۷۳ هجری)^۵، السنن الکبری (بیهقی متوفای ۴۵۸ هجری)^۶، و نیز در منابع تاریخی اهل سنت به مانند: المغازی (تألیف محمد بن عمر واقدی متوفای ۲۰۷ هجری)^۷، السیره النبویه ابن هشام (متوفای

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ ج ۵، ص ۳۵. نیز بنگرید به: البیهقی، أبوبکر؛ السنن الکبری؛ ج ۲، ص ۲۰۸. ابن عساکر؛ علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۱۱، ص ۴۹۴.
۲. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله؛ ج ۶، ص ۱۶۷.
۳. دیاربکری، حسین بن محمد؛ تاریخ الخمیس؛ ج ۱، ص ۴۲۹.
۴. دیاربکری، حسین بن محمد؛ تاریخ الخمیس؛ ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۹.
۵. همان؛ ج ۲، ص ۱۳۶.
۶. نسائی، احمد بن شعیب؛ نسائی؛ ج ۶، ص ۳۱۴.
۷. همان؛ ج ۱، ص ۲۴۵.



۲۱۸ هجری)^۱، تاریخ طبری (متوفای ۳۱۰ هجری)^۲، تاریخ الاسلام ذهبی (متوفای ۷۴۸ قمری)^۳، و منابعی دیگر آمده است.

نقد علامه جعفر مرتضی (ره) نسبت به گزارش نفرین رسول خدا ﷺ

علامه جعفر مرتضی (ره) در کتاب خود، نقدهایی را متوجه این گزارش نموده است و بیان می‌دارد که نسبت به صحت روایات پیش گفته تردید دارد که برای تبیین موضوع و کشف حقیقت به بررسی نقدهای ایشان به روایت‌های مربوط به نفرین رسول خدا ﷺ نسبت به قوم خود در جریان جنگ احد خواهیم پرداخت.

نقد نخست: تناقض محتوایی روایات

نخستین نقد و اشکال علامه جعفر مرتضی (ره) در الصحیح^۴ به ماجرای نفرین پیامبر ﷺ، تناقض موجود در روایات نقل شده در این باره است که پذیرش آنها را با مشکل و چالش روبرو ساخته است.

نقد دوم: اختلاف مفسران درباره شأن نزول آیه

نقد دوم که از سوی علامه جعفر مرتضی (ره) به روایت وارد است، اختلافاتی است که مفسران درباره شأن نزول آیه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ»^۵ دارند. به این معنا که بر اساس برخی منابع تفسیری که شأن نزولی متفاوت با شأن نزول مطرح شده بیان می‌کنند، آیه ۱۲۸ آل عمران درباره نفرین رسول خدا ﷺ بر برخی قبایل از جمله قبیله مضر بوده است. مانند آنچه سیوطی در کتاب تفسیری خود با عنوان «الدر المنثور» به آن اشاره دارد.^۶

۱. همان؛ ج ۲، ص ۷۹-۸۰.

۲. همان؛ ج ۲، ص ۵۱۵.

۳. همان؛ ج ۲، ص ۱۸۹.

۴. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحیح من السیره النبویة الاعظم ﷺ؛ ج ۶، ص ۱۶۷.

۵. آل عمران/۱۲۸.

۶. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ج ۶، ص ۴۲۱.



چنین شأن نزولی را در برخی منابع دیگر از جمله در «جامع البیان فی تفسیر القرآن» نگاشته محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هجری)^۱، «تفسیر القرآن العظیم» اثر ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (متوفای ۳۲۷ هجری)^۲، یا «اسباب نزول القرآن» علی بن احمد واحدی (درگذشته به سال ۴۶۸ هجری) و برخی منابع تفسیری دیگر می‌توان یافت.

نقد سوم: عدم تناسب محتوایی میان آیه قبل و بعد

علامه جعفر مرتضی (ره) در ادامه اشکالات خود بر این روایت، اشاره می‌کند که در صورت پذیرش روایت نفرین رسول خدا ﷺ بر قریش، میان آیه ۱۲۸ آل عمران با آیه پیشین یعنی ۱۲۷ آل عمران وجود نخواهد داشت. در آیه ۱۲۷ خداوند می‌فرماید:

«لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ؛ تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند، یا آنان را خوار سازد، تا نومید بازگردند».

علامه جعفر مرتضی (ره) می‌فرماید اگر آیه ۱۲۸ را به عنوان رد بر فعل نبی مکرم اسلام ﷺ بدانیم، این موضوع با محتوای آیه ۱۲۷ در تعارض خواهد بود و نمی‌توان تفسیری مقبول و معقول از آن ارائه داد. به خصوص این بخش از آیه که می‌فرماید: «أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» که عطف بر آیه پیشین یعنی آیه ۱۲۷ است.

نقد چهارم: تطهیر سران کفر و نفاق

علامه جعفر مرتضی (ره) معتقد است این روایت و به طور کلی این دست از روایات در راستای تطهیر چهره منافقان و کفار صدر اسلام همچون: ابو سفیان، صفوان بن امیه، سهیل بن عمرو، حرث بن هشام و دیگر دوستان و هم حزبی های آنان است که به طور کلی در شمار منافقان، مؤلفه قلوبهم و طلقا بودند و با سلطه

۱. همان؛ ج ۴، ص ۵۸.

۲. همان؛ ج ۳، ص ۷۵۷.



یافتن بنی امیه و دست یابی آنان به حکومت کوشیدند برای اجداد خود سابقه نیکو تهیه کنند و چهره آنان را از سوابق سیاه شان پاک کنند. ایشان می‌نویسد:

«يجب أن لا ننسى أن ثمة يدا تحاول أن تثبت الإيمان للأربعة المتقدم ذكرهم، و هم: أبو سفيان، و صفوان بن أمية، و سهيل بن عمرو، و الحرث بن هشام- و لغيرهم من أعوانهم- ممن صارت السلطة فيما بعد إلى قومهم و أبنائهم. مع أنهم من الطلقاء و المنافقين المؤلفة قلوبهم، و مع أنه قد صدرت منهم أمور تدل على أنهم لم يسلموا، و إنما استسلموا كما سنذكره عن خصوص أبي سفيان في أواخر غزوة أحد إن شاء الله تعالى»^۱

ایشان معتقد است و می‌نویسد: دست‌هایی در کار بود تا ایمان چهار نفر یعنی: ابوسفیان، صفوان بن امیه، سهیل بن عمرو و حرث بن هشام را به گونه‌ای ثابت کند. پس از رحلت رسول اکرم ﷺ و پیشامد وقایعی که منجر به روی کار آمدن خاندان اموی شد، فرزندان همین گروه به قدرت رسیدند. لذا تلاش کردند برای پدران و اقوام خود فضیلت تراشی و رذیلت زدایی کنند. در حالی که همه از طلقاء فتح مکه و منافقان مؤلفه قلوبهم بودند و کارهایی از آنان سر زد که نشان می‌دهد مسلمان نشدند، بلکه خود را تسلیم کردند. از این روست که می‌توان فهمید چرا ابتدا آوردند که رسول خدا ﷺ اینان را لعن فرمود و وقتی آیه نازل شد، رسول خدا ﷺ از گفتار خود بازگشت و برای آنان طلب مغفرت نمودند.

نقد پنجم: تعارض روایت نفرین با سیره رسول خدا ﷺ

از دیگر اشکالات علامه جعفر مرتضی (ره) بر روایت نفرین پیامبر ﷺ بر افراد مذکور در جریان جنگ احد، تعارض این گزارش با سیره گفتاری و عملی رسول خداست. علامه (ره) می‌فرماید: در منابع حدیثی، روایات بسیاری از رسول خدا ﷺ وجود دارد که در آنها رسول خدا ﷺ از لعن و نفرین بر حذر داشته‌اند.

۱. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحيح من السیره النبوی الاعظم ﷺ؛ ج ۶، ص ۱۶۹.

مانند روایاتی چون: «المؤمن لا يكون لعانا»^۱، «انی لم ابعث لعانا و انما بعثت رحمه»^۲، «سباب المؤمن فسوق»^۳ و روایاتی دیگر که نقل می‌کنند که بیان آنها از حوصله نوشتار ما خارج است.

سیره رفتاری آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اساس قرآن کریم آن است که حضرت رحمت برای جهانیان بود و برای هدایت قوم خود چنان کوشید و اندوه خورد که خداوند به او وحی فرمود خود را برای هدایت مردم و دلسوزی نسبت به هدایت آنان به رنج و هلاکت نیاکند. خداوند در آیه هشتم از سوره فاطر درباره این فضیلت و روح بلند و اخلاق نیکوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دلسوزی نسبت به انسان‌ها می‌فرماید:

«أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^۴

علامه جعفر مرتضی تَدَبَّرْتُ همچنین در نفی لعن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به افراد، به سیره امیرمؤمنین علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در جریان جنگ جمل هم اشاره دارند و بیان می‌دارند که امام برای تحقق اعتلای آیین خداوند و هدایت افراد کوشید با کمترین خسارت زمینه هدایت آنان را فراهم آورد، چرا که ایشان نیز به مانند پیامبر دلسوز امت بود و هدایت آنان را هدف خود می‌دانست.

۱. الترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن ترمذی؛ ج ۳، ص ۲۵۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ مستدرک حاکم؛ ج ۱، ص ۴۷. البیهقی، أبوبکر؛ السنن الکبری؛ ج ۱۰، ص ۱۹۳.
۲. مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ ج ۸، ص ۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر؛ ج ۱۹، ص ۱۸۹. امینی، عبدالحسین؛ الغدیر؛ ج ۸، ص ۲۵۲.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۲۶۰. ابن ابی شیبہ، أبوبکر؛ المصنف ابن ابی شیبہ کوفی؛ ج ۴، ص ۲۵۶.
۴. فاطر / ۸.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت:

علامه جعفر مرتضی‌(ره) در کتاب خود، نقدهایی را متوجه این گزارش نموده است و بیان می‌دارد که نسبت به صحت روایات پیش گفته به دلیل تناقض موجود در روایات نقل شده، و اختلاف مفسران درباره شأن نزول آیه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ»، عدم تناسب محتوایی میان آیه قبل و بعد آیه ۱۲۸ آل عمران و تعارض روایت نفرین با سیره رسول خدا ﷺ تردید دارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الأثير، عزالدين؛ أسد الغابة؛ ج ۴، انتشارات: دارالفكر بيروت؛ بی تا.
۳. ابن أبي شيبه، أبوبكر؛ المصنف ابن أبي شيبه كوفي؛ ج ۴، قم: انتشارات دارالفكر؛ بی تا.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ مسند احمد بن حنبل؛ ج ۳، دار احياء الكتب العربیة، چاپ دمشق، سال انتشار ۱۹۵۵ میلادی به (عربی).
۵. ابن عساکر؛ علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛ تحقیق: حسان عبد المنان، بیت الافکار الدولیة، لبنان، ۲۰۰۴م.
۶. امینی، عبدالحسین؛ الغدير؛ ج ۸، قم: انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۷۲ش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ مترجم. عبدالعلی نور احراری. ناشر. شیخ الاسلام احمد جام؛ ۱۹۸۷م.
۸. بیهقی، أبوبکر؛ السنن الكبرى؛ ج ۲، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن ترمذی؛ ج ۳، تصحیح و تعلیق: السید معظم حسین، مکتبه المتنبی، قاهره [بی تا].
۱۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ مستدرک حاکم؛ ج ۱، تحقیق: موفق بن عبدالله، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۱. دیاربکری، حسین بن محمد؛ تاریخ الخمیس؛ ج ۱، قدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، دارالجنان، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۲. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ج ۶، تحقیق: أحمد عمر هاشم، دارالکتب العربی، ۱۴۱۷-۱۴۰۹ق.
۱۳. عاملی، جعفر مرتضی؛ الصحیح من السیره النبویة الاعظم ﷺ؛ ج ۶، ناشر: جامعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۰ش.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن؛ رجال الطوسی؛ مصحح: جواد قیومی اصفهانی؛ ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۵ش.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الكبير؛ ج ۱۹، چاپ اول، قاهره، ۱۳۹۸ق.

کنکاشی پیرامون گزارش‌های مربوط به «نفرین قریش از سوی رسول خدا ﷺ در جنگ احد»

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۲، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۲، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. نسائی، احمد بن شعیب؛ نسائی؛ ج ۶ تحقیق: بشار عواد معروف، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۱۸. مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ ج ۸، چاپ: دارالرائد العربی، بیروت. لبنان. ۱۴۰۱ هـ — ۱۹۸۱ میلادی.